شهرآرا
روزنامه شهرامید وزندگی
۵شنبه
۱۲ تیر ۱۳۹۹
۱۰ ذی‌القعده ۱۴۴۱
شماره ۳۱۴۱
SHAHRARANEWS.IR

## زندانی شدن ۹۶۲ مرد به علت بدهی مهریه

**خبر کوتاه**

مدیرعامل ستاد دیه کشور با انتقاد از احکام صادره در برخی از شعب دادگاه‌های خانواده گفت: برخلاف پیگیری‌های رئیس دستگاه قضا و تلاش‌های صورت گرفته، هم‌اکنون ۹۶۲ بدهکار مهریه در کشور زندانی هستند. سید اسدا... جولایی با اشاره به اینکه هم اکنون از جمع ۵۹۷۳ نفر زندانیان مالی ناشی از جرائم غیرعمد در کشور، بدهکاران مهریه با تعداد ۹۶۲ محکوم نزدیک به ۱۶ درصد آمار را به خود اختصاص داده‌اند، اعلام کرد که استان فارس با ۱۰۴ محبوس در صدر و استان‌های تهران و اصفهان به ترتیب با ۹۸ و ۹۷ بدهکار در رده‌های بعدی هستند. جولایی با اشاره به موجودی زندانیان جرائم غیرعمد گفت: با مساعدت هم‌وطنان به ویژه مشارکت چشمگیر آن‌ها در گلریزان‌های مجازی ویژه ماه رمضان، جمعیت زندانیان از ۱۲ هزار و ۵۷۶ نفر در اسفند سال گذشته به ۵۹۷۳ نفر کاهش یافته که ۱۸۵ نفر از این افراد بابت ناتوانی در تأمین دیات ناشی از حوادث کارگاهی یا سوانح رانندگی زندانی شده‌اند و الباقی که جمعیتی مشتمل بر ۵۷۸۸ نفر هستند به علت صدور چک، تعهد مهریه یا عجز در پرداخت نفقه محبوس هستند.

**داستان جنایی**

## ستاره‌های کویری
### (قسمت آخر)

ایلیا موسایی

**پرده اول**

حمید و زن جوان در ماشین، آن پایین بودند. فاصله زیاد بود، برای اینکه ستاره روبه‌روی ماشین بایستد و زل بزند توی چشم‌هایشان. اینکه بخواهد آن‌ها هم توی چشم‌هایش نگاه کنند تا ببینند چطور می‌توانند؟ اما اینجا در این اتاق نیمه کدر شبیه به ماهی کوچکی بود که در آکواریوم گیر افتاده. یک راهروی تاریک و پلکانی طولانی و پیچ‌درپیچ که بوی رنگ می‌دهد و هنوز کارگرها در آن مشغول‌اند. و آسانسور لعنتی که بوی نان بیات می‌دهد و همیشه در چنین وقت‌هایی در دورترین طبقه است و تا بیاید و دکمه‌هایش عمل کنند و آرام و کسل تا پایین برسد خون را به جوش می‌آورد... فایده‌ای نداشت. هیچ کاری نمی‌شد کرد. ستاره فقط می‌توانست آنجا پشت شیشه بایستد و به حیاط خالی و آفتاب گرفته شرکت در آن پایین نگاه کند. سایه روح‌مانند ماشینِ حمید هنوز آنجا بود ولی خودش رفته بود. ستاره زل زده بود به آن جای خالی. پرسید: «اونی که چندبار باهاش دیدی همین بود؟»

مونا آمد و از پشتِ سر، شانه‌های ستاره را گرفت. «دوبارش این بود»

«چرا بهم نگفتی مونا؟»

«دفعه قبل خیلی به‌هم ریختی. دوست نداشتم حالت بد بشه و زندگیتو خراب کنم»

«دفعه‌های دیگه چی؟»

«یکی دوتای دیگه هم بودن. عزیزم...» دم گوش ستاره زمزمه کرد: «فکر نمی‌کنی شاید ملاقات کاری باشه؟»

**پرده دوم**

ستاره به حمید چیزی نگفت. آن روزها حس می‌کرد حمید شنگول‌تر از همیشه است و این باعث می‌شد ستاره بیشتر و بیشتر توی آن چاه تاریکِ بی‌انتها فرو برود. به‌جای هرکاری شروع کرد به مشاوره رفتن.

مشاور مرد عینکی گیجی بود که مدام دنبال مدادش می‌گشت یا موقع نوشتن، نوکِ مدادش با صدای بلند توی کاغذ می‌شکست. یک عکس بزرگ روی دیوار بود که قزل آلایی را نشان می‌داد که بر خلافِ جریانَ خروشانَ آب توی هوا جهیده و یک خرس بزرگ قهوه‌ای روی صخره ایستاده و منتظر است تا با یک ضربه ماهی را شکار کند.

مشاور اول به حرف‌های ستاره گوش داد و فقط یادداشت نوشت. بعد شروع کرد به گفتن چیزهایی که گوش ستاره از آن‌ها پر بود؛ اینکه زندگی خانوادگی باید بر پایه اعتماد باشد و توجه بیشتری به حمید نشان بدهد. حتی از ستاره خواست که حمید را برای صحبت کردن با خودش آنجا بیاورد. ستاره احساس عجز عجیبی داشت. چیزی درونش مانع شده بود که این ماجرا را پیش بکشد. به عکس نگاه کرد و پرسید: «این ماهیه چرا داره این کارو می‌کنه؟»

مشاور به سمت عکس نگاه کرد: «داره برمی‌گرده به سرچشمه تا اونجا تکثیر بشه. علامت ابدیته...» چیزهای دیگری هم گفت که ستاره گوش نکرد. وسایلش را جمع کرد و نصفه‌نیمه جلسه مشاوره‌اش را ترک کرد.

**پرده سوم**

ستاره تمام آن هفته فقط می‌خوابید. به کارهای بچه‌ها کمتر رسیدگی می‌کرد و کم‌اشتها شده بود. حس کرد حال همان گربه‌ای را دارد که مونا برایش تعریف کرده بود. توی انباری تاریک وسط آت‌وآشغال گیر کرده بود. به این فکر کرد که وقتی از آن شکاف با تقلا و جان کندن بیرون آمد چطور به سمت زباله‌ها دویده... مطمئن بود گربه وقتی فرار کرده دیگر هیچ‌وقت برنگشته... اما اگر برمی‌گشت چه؟ اگر مثل آن قزل‌آلا برعکس شنا می‌کرد...

روز بعد از آن ستاره به داروخانه رفت و یک بسته قرص خواب سفارش داد. شب ته‌چین مرغ و سیب‌زمینی درست کرد که حمید خیلی دوست داشت. سر شام با حمید درباره کارش صحبت کرد و ساعت ده بود که به آشپزخانه رفت و توی لیوان شیرنارگیل حمید قرص خواب انداخت. نیمه‌های شب توی تاریکی صدای عمیق نفس کشیدن حمید را می‌شنید. از زیر پتو آرام بیرون خزید. کورمال حرکت می‌کرد و خودش را به آن سمت رساند. گوشی حمید کنار سرش بود. برش داشت. انگشت سبابه حمید را روی اثرانگشت گوشی چسباند و گوشی باز شد. از اتاق بیرون آمد و توی آشپزخانه تاریک نشست. پیام‌ها و سابقه‌های تماس را چک کرد. نمی‌توانست آن کلمات را باور کند. نفسش سخت بالا می‌آمد و نبضش توی گردنش می‌زد.

شماره را گرفت و فقط گوش داد. چندبار بوق خورد. بعد صدای خواب‌آلوده و گرفته زنی آمد: «خوابم دیووونه. الان چه وقتِ...» و سکوت شد.

ستاره توی گوشی نفس می‌کشید. صدای نفس‌های آرام آن سمت گوشی را هم می‌شنید. ستاره گفت: «تویی...» جوابی نشنید.

«همه این صحنه‌ها رو تو راه انداخته بودی که منو تو انباری گیر بندازی...»

«...»

«منو با گربه‌ات اشتباه گرفتی...»

تماس از آن سمت قطع شد.

**پایان**

با اسکن کد قسمت چهارم داستان را در اینجا بخوانید

با اسکن کد قسمت سوم داستان را در اینجا بخوانید

با اسکن کد قسمت دوم داستان را در اینجا بخوانید

با اسکن کد قسمت اول داستان را در اینجا بخوانید

ناصر اصلانی، معاون مقابله با عرضه و امور بین‌الملل ستاد مبارزه با موادمخدر: **در هفته نخست تیرماه بیش از ۱۸ تن انواع موادمخدر در سراسر کشور کشف و ضبط شد که این میزان مواد کشف شده به نسبت مدت مشابه سال قبل ۶۸ درصد افزایش یافته است. بیشترین کشفیات در استان‌های تهران و خراسان جنوبی بوده است.**

# رویارویی سارق و مال‌باخته در خیابان

## مرد مشهدی سارق گوشی‌اش را شناسایی و تحویل پلیس داد

محمد جواد ابوعطا
m.abouata@shahraranews.ir

عکس تزئینی است

پس از گشت‌وگذار در بازار تلفن‌همراه مشهد، بالاخره یک فروشگاه را انتخاب کرد که مشتریان زیادی داشت و این را به حساب کیفیت خدمات فروشگاه گذاشت. او برای دریافت خدمات وارد این فروشگاه شد، به درخواست متصدی هر دو خط تلفن همراهش را درآورد و آن‌ها را روی پیشخوان گذاشت، اما همین که برگشت متوجه شد تلفن همراهش غیب شده است.

مفقود شدن یک گوشی تلفن همراه در این فروشگاه بزرگ، موجب شد تا موضوع به پلیس ۱۱۰ اعلام شود. دقایقی بعد مأموران انتظامی در محل حاضر شدند. بررسی تصاویر ضبط شده از لحظه گم شدن تلفن همراه، نشان داد که وقتی مرد جوان گوشی‌اش را روی میز وسط فروشگاه می‌گذارد و برمی‌گردد تا سیم کارت‌هایش را به متصدی بدهد، تنها در ۲ثانیه، مردی میان‌سال با سرقت گوشی تلفن همراه و مخفی کردن آن در جیب، سریعا از فروشگاه خارج می‌شود.

مرد جوان چند روز پس از این ماجرا و شکایت از فردی که تلفن همراهش را ربوده بود، در حال عبور در اطراف میدان بسیج (برق) مشهد بود که ناگهان با سارق گوشی‌اش، روبه‌رو شد.

مال‌باخته یقه مرد میان‌سال را گرفت و با یادآوری واقعه چندروز پیش از او خواست تا گوشی‌اش را پس بدهد. اما متهم به سرقت با سروصدا و جلب توجه رهگذران مدعی شد که کاری نکرده و بیگناه است. شهروندان اطراف آن‌ها جمع شدند و متهم با مظلوم‌نمایی مدعی شد که اشتباه شده است، در این میان مرد میان‌سال ناگهان در یک لحظه غفلت مال‌باخته از محل گریخت. فرار متهم جرم او را برای رهگذران و شاکی مسجل کرد، شاکی و چندنفر دیگر برای متوقف کردن مرد میان‌سال به دنبال او دویدند. در این میان تیمی از گشت کلانتری ۱۲ مشهد، هنگام گشت‌زنی در این محدوده با مشاهده فرار متهم، وارد عمل شدند و با دستگیری او، آن‌ها را به کلانتری منتقل کردند.

### همیشه پای یک مال‌خر در میان است

با انتقال این افراد به کلانتری، متهم مدعی بود که او را اشتباه گرفته‌اند. اما صحبت‌های شاکی نشان می‌داد که این فرد گوشی تلفن همراه او را سرقت کرده است. در این میان با استعلام‌های صورت گرفته، اظهارات شاکی تأیید شد و متهم که چهره‌اش شکار دوربین‌های مداربسته شده بود، با کنار گذاشتن دروغ‌هایش به سرقت اعتراف کرد.

متهم چهل‌وهفت ساله در بازجویی‌ها اعلام کرد که پس از ربودن گوشی آن را به فرد مال‌خری در خیابان سرخس به قیمتی ارزان فروخته است و مشخصات این فرد را به مأموران اعلام کرد.

تیمی از افسران تجسس کلانتری ۱۲ مشهد پس از دریافت دستور قضایی، با مشخصات و آدرسی که متهم در اختیارشان گذاشته بود، در منطقه حاضر شدند و پس از شناسایی متهم، او را در اقدامی غافل‌گیرانه دستگیر کردند. در بازرسی از مخفیگاه مال‌خر مقادیری داروهای غیرمجاز نیز کشف شد.

### آغاز تحقیقات در پرونده

رئیس پلیس مشهد با اشاره به اینکه احتمال سرقت‌های دیگر از سوی متهم نیز وجود دارد، از آغاز تحقیقات تخصصی در این پرونده خبر داد و گفت: متهم پس از تشکیل پرونده برای رسیدگی به جرمش به مقام قضایی معرفی شده است.

سرهنگ عباس صارمی ساداتی در هشدار به شهروندان یادآور شد که در بحث سرقت هیچ مکان امنی وجود ندارد به ویژه در بازارهای شلوغ، مجرمان در کمین طعمه‌های خود هستند و تنها یک خطا می‌تواند، سارقان را در رسیدن به نقشه‌شان کمک کند.

## اخبار جهان

### کشف ۶ جسد در دریاچه وان

**ترکیه | فارس |** طی روزهای گذشته، وقوع حادثه برای قایق مهاجران در دریاچه وان ترکیه، جنجال زیادی ایجاد کرد. این قایق بین ۵۵ تا ۶۰ سرنشین داشته که ترکیه با استفاده از بالگرد و کشتی، عملیات جست‌وجو را از زمان وقوع حادثه آغاز کرده است. گفته می‌شود که تاکنون ۶ جسد کشف شده است. برخی رسانه‌های ترکیه‌ای نیز مدعی شده‌اند که بیشتر سرنشین‌های این قایق اهل پاکستان، افغانستان و ایران هستند. روز گذشته سلیمان سویلو، وزیر کشور ترکیه برای بازدید از عملیات امداد و نجات سرنشینان این قایق به منطقه سفر کرد.

### کشف شبکه آزار جنسی کودکان در آلمان

**آلمان | یورونیوز |** ماه گذشته میلادی پلیس آلمان مردی را در نزدیکی شهر کلن دستگیر کرد. در محل زندگی این فرد شواهد و مدارک الکترونیکی گسترده‌ای کشف شد که نشان از وجود یک شبکه بزرگ آزار جنسی کودکان داشت. بعد از دستگیری این فرد و آغاز تحقیقات با دستور یک مقام قضایی ۳۰ هزار مظنون عضویت در این شبکه به عنوان بخشی از این تحقیقات تحت پیگرد قانونی قرار گرفتند. از میان هزاران مظنون تاکنون بیش از ۷۰ نفر شناسایی شده و نزدیک به ۱۰ نفر از آن‌ها در بازداشت هستند. دست کم ۴۴ نفر از قربانیان این شبکه کودک‌آزاری نیز شناسایی شده‌اند. نام یک نوزاد سه ماهه نیز در میان قربانیان وجود دارد.

### کشف ۱۴ تن آمفتامین تولیدی داعش

**ایتالیا | ایرنا |** مأموران ایتالیا به ۳ کانتینر حاوی کاغذهای یک‌بار مصرف صنعتی در شهر ناپل مظنون شدند و با دستور دادستان محلی این کانتینرها توقیف شد. پلیس در بازرسی از آن به یک کشف تاریخی دست یافت. مأموران موفق شدند ۸۴ میلیون قرص آمفتامین جاسازی شده به وزن ۱۴ تن را کشف کنند. کشف این میزان قرص آمفتامین، یک رکورد تاریخی در تاریخ مبارزه با موادمخدر در سراسر جهان به شمار می‌رود. پلیس ایتالیا با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد که ما می‌دانیم داعش در سال‌های گذشته بخش عمده‌ای از درآمد خود را برای اقدامات تروریستی، از راه قاچاق موادمخدر صنعتی به دست آورده است.

# ماجرای گرفتاری یک دختربچه و بچه گربه

## امدادرسانی نجات‌گران آتش‌نشانی در ۲ منطقه مشهد

سهیل دیبا

میومیوی آرام اما طولانی و متوالی یک گربه، ساکنان ساختمان را کلافه کرده بود. این صدا نصف روز تکرار می‌شد اما منشأ آن نامشخص بود. ساکنان ساختمان بالاخره به جنب و جوش افتادند تا این گربه را پیدا کنند و به او کمک کنند.

●●●

صدای گریه‌های دختربچه حتی کودکان توی خیابان را هم متأثر کرده بود. او قصد داشت با دوستانش در خیابان صحبت کند، اما سرش زیر نرده‌های پنجره گیر کرده بود. مادرش تا متوجه ماجرا شد دقایقی طولانی برای دختربچه ۲ساله گذشت. با اینکه مادر و سایر همسایه‌ها برای کمک آمده بودند، اما امکان رهایی دختربچه وجود نداشت.

●●●

همسایه‌ها پس از کمی جست‌وجو به حیاط خلوت پشت ساختمان رسیدند که متوجه شدند یک بچه گربه سرش را درون ورودی چاه آبکش حیاط (چاه فاضلاب) کرده و گرفتار شده است. هر کدام از همسایه‌ها جلو رفتند نتوانستند از پس پنجه‌های تیز بچه گربه که ترسیده بود و چنگ می‌انداخت عبور کنند.

●●●

هم‌زمان با اعلام دو مورد گرفتاری کودک و یک گربه در دو نقطه مشهد، تیم‌های نجات آتش‌نشانی به محل اعزام شدند. امدادگران ایستگاه سیزدهم آتش‌نشانی با حضور در خیابان دایی، در منطقه سیدی با چهره ترسیده و گریان دختربچه بازیگوشی روبه‌رو شدند که سرش زیر نرده‌های پنجره گیر کرده بود. آتش‌نشانان ابتدا با آرام کردن کودک و اطرافیان، فضا را مدیریت کردند و پس از دقایقی در عملیاتی حرفه‌ای توانستند این کودک را بدون هیچ آسیبی نجات دهند.

●●●

نجاتگران ایستگاه سی‌ودوم نیز با حضور در خیابان شهید دیالمه (خسروی نو) در هسته مرکزی شهر، اقدامات لازم برای نجات بچه گربه از چاه فاضلاب را انجام دادند. امدادگران ابتدا اقدام به بیرون کشیدن دهانه چاه فاضلاب کردند و سپس با بریدن دریچه افتاده دور گردن بچه گربه با تیغه مخصوص برش انگشتر، توانستند این حیوان را نجات دادند.

## جدول شماره: ۲۹۶۳

طراح: امیرعباس واسعی

| | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ | ۶ | ۷ | ۸ | ۹ |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۱ | | | | | ■ | | | | |
| ۲ | | | ■ | | | | ■ | | |
| ۳ | | ■ | | | | | | ■ | |
| ۴ | | | | ■ | | | | | ■ |
| ۵ | | | | | ■ | | | | |
| ۶ | ■ | | | | | ■ | | | |
| ۷ | | ■ | | | | | | ■ | |
| ۸ | | | ■ | | | | ■ | | |
| ۹ | | | | | ■ | | | | |

**افقی**

۱. نامه درون آن است - اسطوره کشتی
۲. پهلوان - زیر سینه - کافی
۳. وزارت هنرمندان
۴. خشت پخته - متضاد کشف
۵. راه مستقیم - خواندن آهنگین
۶. سخت فرنگی - نوعی یقه
۷. از جزایر جنوب
۸. چاشنی غذا - عیب و عار - لبریز
۹. نامی برای خانم‌ها - شیدا و عاشق

**عمودی**

۱. جنگ و نبرد - واحد چلوکباب
۲. حرکت است در شطرنج - شأن - حرف همراهی
۳. فرستادن
۴. فریاد زدن سر کسی - نام علیدوستی
۵. به‌قتل‌رساند - پست‌وذلیل
۶. همگی و کلی - فاضلاب
۷. مجموعه اشعار شاعر
۸. نشانه بیماری - لاغر و نحیف - معبر روی رود
۹. درخت تسبیح - برادر رستم

## پاسخ جدول ۲۹۶۴

طراح: محمدرضا علیزاده

| | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| سازمدور<br>زول ورن<br>کنایی از | ق | بسیارشکاک<br>واحد چادر<br>گیاه خورشی | ب | از گرفتنی‌ها<br>زنده<br>عدد منفی | ح | ق | قاتل هابیل<br>جداره | گ | تفرج<br>نجوم | خ | زبر پادشاه اشکانی | ت | خاک<br>حرف فاصله<br>لحظه‌لحظه | ت | خاندان<br>احرار<br>پرحرفی | ا | ل | کی بود مانند دیدن؟ |
| د | و | ر | د | ن | ی | ا | د | ر | ه | ش | ت | ا | د | ر | و | ز | قاتل جنگل | ش |
| ف | ا | ی | د | ه | ارتداد<br>خوابیده | ب | ی | د | ی | ن | ی | دوی استقامت<br>پیشوند فقدان | م | ا | ر | ا | ت | ن |
| سود<br>شفقت<br>کاغذ پیچیده<br>ازاد | ر | و | ل | شنونده<br>ضروری | ن | ی | و | ش | ا | ابرپرباران<br>فریاد | ر | ب | ا | ب | شهر امارات<br>رایحه | د | ب | ی |
| ر | ه | ا | فوق<br>حقیقی | ب | ا | ل | ا | ترساندن<br>قلاده | ت | ه | د | ی | د | فن<br>پندگرفتن | ش | گ | ر | د |
| ح | خانه بزرگ<br>واحد سینمایی | س | ر | ا | ی | جوی خون<br>گاز C2H6 | ر | گ | گشاده<br>متنبه | و | ا | چیستان<br>فریاد شادی | م | ع | م | ا | از قرمزها | ن |
| م | س | اشاره<br>مزد | ا | ی | م | ا | قبا<br>یکی از دوجنس | ل | ب | ا | د | ه | بصیر<br>کرمینه حشرات | ب | ی | ن | ا | فرهنگ |
| فلز سرچشمه<br>قانون مغولی | ی | ا | س | ا | روشنگری<br>حرکت هوا | ت | ن | و | ی | ر | نیمه‌گرم<br>یاری | و | ل | ر | م | الفبای موسیقی<br>ستاره | ن | ت |
| ح | ا | ج | ت | آهنگساز عصرساسانی<br>من+شما | ب | ا | ر | ب | د | آیینه<br>زینت<br>صورت | م | ر | ا | ت | اسم<br>ضمیر اتحاد | ن | ا | م |
| پدر مراد<br>جدرستم<br>مدرک آوردن | ن | ر | ی | م | ا | ن | مشهور | ن | ا | م | د | ا | ر | بی‌همسر و فرزند | م | ج | ر | د |
| ا | س | ت | ن | ا | د | خداحافظی | ب | د | ر | و | د | شهر خربزه | و | ر | ا | م | ی | ن |